

## نقد و بررسی سندی و دلالتی حدیث «صحابی کالنجوم»<sup>۱</sup>

حسن ترکاشوند<sup>۱</sup>

### چکیده

حدیث أصحابی کالنجوم بیان‌گر تشبیه صحابه پیامبر به ستارگان، و متضمن هدایت یافتن مسلمانان در صورت اقتدا و پیروی از آنان است. در برخی از منابع اهل سنت از این حدیث برای موضوعاتی همانند: اثبات مرجعیت صحابه، تزکیه و پاک انگاشتن همه صحابه، الگو بودن همه صحابه، عدالت همه آنان، جواز تقلید از صحابه و ... استفاده شده است. با بررسی اسناد این حدیث روشن می‌شود که نه تنها صدور آن مورد اطمینان نمی‌باشد بلکه بسیاری از علما و رجالیون اهل سنت آن را روایتی جعلی و بی‌ارزش می‌دانند، علاوه بر این مدلول آن نیز غیر قابل پذیرش بوده و با آیات قرآن و دیگر روایات وارده از رسول الله ﷺ درباره برخی از صحابه تعارض دارد. البته روایات دیگری شبیه به این روایت وجود دارد که پیامبر اکرم ﷺ اهل بیت خود را به ستارگان تشبیه کرده و آنان را عامل هدایت امت معرفی کرده‌اند، که به نظر می‌رسد حدیث أصحابی کالنجوم برای تقابل با این روایات جعل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** اصحاب، نجوم، اقتدا، اهتدا، اهل بیت.

۱. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم؛ عضو هیئت علمی پژوهشکده حج و زیارت.

از جمله روایاتی که در بسیاری از متون حدیثی، تفسیری، اصولی، فقهی و ... اهل سنت نقل شده و سنگ بنای بسیاری از مباحث علمی آنان در زمینه های مختلف- همانند: اثبات مرجعیت صحابه، تزکیه و پاک انگاشتن همه صحابه، الگو بودن همه صحابه، عدالت همه آنان، جواز تقلید از صحابه و ... می باشد، روایت «اصحابی کالنجوم» است. مضمون این حدیث با عبارات گوناگونی نقل شده، مانند: «إن أصحابی بمنزلة النجوم فی السماء، فأیما أخذتم به اهتدیتم» (مناوی: ۱۴۱۵، ۱: ۲۷۱؛ عجلونی: ۱۴۰۸، ۱: ۶۴؛ ابن عساکر: ۱۴۱۵، ۲۲: ۳۵۹)، و مانند «مثل أصحابی مثل النجوم، من اقتدی بشیء منها اهتدی» (قضاعی: ۱۴۰۵، ۲: ۲۷۵؛ جرجانی: ۱۴۰۹، ۲: ۳۷۶؛ ابن قدامه: ۱۴۱۸، ۳: ۳۵۱؛ سیوطی: ۱۳۲۰، ۲: ۲۶۶؛ بهوتی: ۱۴۱۸، ۲: ۵۳۸). تفاوت های اندکی که در نقل عبارات و الفاظ «حدیث نجوم» دیده می شود تغییری در معنا و مفاد آن ایجاد نمی کند. عبارت: «مثل أصحابی مثل النجوم، من اقتدی بشیء منها اهتدی» مشهورترین نقل حدیث نجوم است. این حدیث- که از آن به حدیث اقتدا و اهتدا هم تعبیر می شود- مهم ترین دلیل برای حجیت بخشی به سخن و سیره صحابه و قابل تمسک بودن برداشت آنان از سخنان و سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در میان اهل سنت می باشد. با توجه به اهمیت این موضوع، این حدیث در دو بخش، یکی متن و سند حدیث و دیگری دلالت حدیث، مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

### بررسی سند حدیث

حدیث اقتدا و اهتدا را شش نفر از صحابه از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل کرده اند: عبدالله ابن عمر، ابوهریره، عمر بن خطاب، ابن عباس، جابر و انس بن مالک. طرق نقل حدیث از صحابه مزبور بدین شرح است:

طریق عبد الله بن عمر: عبدالحمید بن حمید (م ۲۴۹ ق) می نویسد: احمد بن یونس، از ابو شهاب، از حمزه جزری، از نافع، از ابن عمر نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمود: «مثل أصحابی مثل النجوم یهتدی به فأیهم أخذتم بقوله اهتدیتم» مثل اصحاب من مثل ستارگان است، به سخن هر یک از آنها عمل کنید هدایت یافته اید. (ابن حمید: ۱۴۰۸، ۲۵۱؛ نوری: بی تا، ۱۰: ۲۹۰) و با اندکی تفاوت از او نقل شده که «إنما أصحابی بمنزلة النجوم، فأیهم أخذتم بقوله اهتدیتم» همانا اصحاب من به منزله

ستارگان هستند به سخن هر یک از آنها عمل کنید هدایت یافته‌اید (ابن بطه عکبری: ۱۴۱۵، ۲: ۲۱۹).

طریق ابوهریره: ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) می‌نویسد: ... جعفر بن عبدالواحد، از وهب بن جریر بن حازم، از پدرش، از ابوصالح، از ابوهریره، از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «مثل أصحابی مثل النجوم، من اقتدی بشیء منها اهتدی» مثل اصحاب من مثل ستارگان است، هر کس به چیزی از آنها اقتدا کند، هدایت یافته است (ابن حجر عسقلانی: ۱۳۷۲، ۱: ۲۵۴).

طریق عمر بن خطاب: ابن بطه (م ۳۸۷ ق) می‌نویسد: ابوصالح محمد بن احمد بن ثابت، از ابوالاحوص، و نیز حسین بن صفوان بردعی، از ابواسماعیل محمد بن اسماعیل سلمی، از نعیم بن حماد، از عبدالرحمن بن زید عمی، از پدرش، از سعید بن مسیب، از عمر بن خطاب نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «سألت ربی عز و جل فیما یختلف فیہ أصحابی من بعدی، قال: فقال لی: یا محمد إن أصحابک عندی بمنزلة النجوم فی السماء بعضها أضوأ من بعض، فمن أخذ بشیء مما هم علیه من اختلافهم فهو عندی علی هدی» از پروردگارم در باره اختلاف اصحابم پس از درگذشتم سؤال کردم! به من فرمود: ای محمد، اصحابت نزد من چون ستارگان در آسمان‌اند که بعضی نورانی‌تر از بعضی دیگرند، پس هر کس به هر مقدار از چیزی که آنها در آن اختلاف دارند تمسک کند، پیش من هدایت یافته است (ابن بطه عکبری: ۱۴۱۵، ۲: ۲۱۹؛ ابن اثیر: ۱۴۲۰، ۸: ۵۵۶).

طریق ابن عباس: خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) نقل می‌کند: ابوبکر حیری و محمد بن یعقوب الأصم، از بکر بن سهل دمیاطی، از عمرو بن هاشم بیروتی، از سلیمان بن ابو کریمه، از جویبر، از ضحاک، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «مهما أوتیتم من کتاب الله تعالی فالعمل به لا عذر لأحد فی ترکه، فإن لم یکن فی کتاب الله فسنة منی ماضیة، فإن لم تکن سنة منی ماضیة فما قال أصحابی إن أصحابی بمنزلة النجوم فی السماء فأیها اخذتم به اهتدیتم و اختلاف أصحابی لکم رحمة» هر آنچه در قرآن یافتید، باید بدان عمل کنید و در ترک آن عذری از شما پذیرفته نیست. اگر حکمی در قرآن نبود، به آنچه در سنت بجا مانده بود [عمل کنید] و اگر در سنت هم نبود، هر آنچه اصحابم می‌گویند [معتبر است]؛ زیرا اینان همانند ستارگان در آسمان‌اند، به سخن هر کدام تمسک کنید، هدایت یافته‌اید؛ چرا که اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است (خطیب بغدادی: بی تا، ۱: ۱۱۶). ابن بطه در طریقی دیگر

می‌نویسد: ابویوسف یعقوب بن یوسف، از ابویحیی زکریا بن یحیی ساجی، از موسی بن اسحاق انواری، از احمد بن یونس، از ابوشهاب، از حمزه بن ابوحزه، از عمرو بن دینار، از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «إنما أصحابي كالنجوم، فبأيهم اقتديتم اهتديتم» اصحاب من مانند ستارگان‌اند که به هر کدامشان اقتدا کنید، هدایت شده اید (ابن بطة عکبری: ۱۴۱۵، ۲: ۲۲۰).

طریق جابر: زیلعی از دارقطنی نقل می‌کند که او در کتاب غرائب مالک می‌نویسد: اسماعیل بن یحیی عیسی، از حسن بن مهدی بن عبده مروزی، از ابوالحسن محمد بن احمد سکری، از ابویحیی بکر بن عیسی مروزی، از جمیل بن یزید، از مالک بن انس، از جعفر بن محمد، از پدرش، از جابر نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «إنما مثل أصحابي مثل النجوم من أخذ بنجم منها اهتدى» مثل اصحاب من مثل ستارگان است، هر کس به ستاره‌ای از آنها اقتدا کند هدایت یافته است (زیلعی: ۱۴۱۴، ۲: ۲۳۰).

طریق انس: ابن ابی عمر، از عبدالله بن علی، از سالم طویل، از زید عجمی، از یزید رقاشی، از انس بن مالک نقل می‌کند، که پیامبر ﷺ فرمود: «مثل أصحابي في أمتي مثل النجوم يهتدون بها و إذا غابت تحيروا» مثل [جایگاه] اصحاب من در امتم، مانند ستارگان است که [مردم] به وسیله آن هدایت می‌جویند و وقتی ستارگان غایب شوند، مردم متحیر می‌مانند (سیوطی: ۱۳۲۰، ۲: ۲۶۷).

با جستجو در منابع رجالی و سخنان اهل فن در میان اهل سنت روشن می‌شود که سند این حدیث با همه طرق آن مورد خدشه می‌باشد و نسبت به آن هم تضعیف عام و هم تضعیف خاص وجود دارد.

### تضعیف عام

بسیاری از دانشمندان و پیشوایان حدیثی، تفسیری، اصولی و رجالی اهل سنت به صراحت، حدیث «اصحابی کالنجوم» را با تمام متون و سندهایش ضعیف دانسته‌اند. برخی به عدم صدور آن از پیامبر اکرم ﷺ اعتقاد دارند (ابن قییم: بی تا، ۲: ۳۶۱؛ ابن ابی العز: ۱۴۱۸، ۳: ۱۳۲؛ ابن عبد البر قرطبی: ۱۳۹۸، ۲: ۹۰ - ۹۱)، برخی دیگر قائل به عدم صحت آن هستند (ابن قدامة: بی تا، ۱: ۱۲)، جمعی دیگر بر این باورند که این روایت دارای ضعف جدی است (سخاوی: بی تا، ۱: ۱۴؛ مبارکفوری: ۱۴۱۰، ۱۰: ۱۵۵؛ ابن تیمیه: ۱۴۰۶، ۸: ۳۶۴)، عده‌ای دیگر نیز آن را جعلی می‌دانند

(ألبانی: بی تا، ۱: ۴۹؛ أبوحیان: بی تا، ۷: ۲۸۱؛ الأزهري: بی تا، ۸: ۱۹۳ و ۲۰۹)، همچنين گفته شده است که تمامی اسناد این روایت ضعیف است (بیهقی: بی تا، ۱: ۱۱۵)، این روایت باطل، دروغ، و از تولیدات اهل فسق نیز دانسته شده است (ابن حزم: ۱۴۰۴، ۵: ۶۱). برخی دیگر آن را غریب دانسته و بر این باورند که این حدیث در کتب معتبره نقل نشده است (ابن تیمیه: ۱۴۰۶، ۸: ۳۶۴؛ ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۴)، و برخی دیگر نیز قائل به کذب و عدم اعتبار این روایت شده‌اند (البانی: ۱۴۱۲، ۱: ۱۵۲). اینها نمونه‌ای از تعبیر و تضعیف‌های عامی است که درباره حدیث «اصحابی کالنجوم» به کار رفته است.

### تضعیف خاص

برخی از روایات این حدیث از جانب رجالیون و اهل فن در میان اهل سنت مورد قدح قرار گرفته‌اند. در طریق ابن عمر، فردی به نام حمزه بن ابی حمزه جزری نصیبی وجود دارد، که او شخصی منکر الحدیث دانسته شده است (بخاری: ۱۳۹۶، ۱: ۳۵؛ رازی: ۱۲۷۱، ۳: ۲۱۰). برخی، روایاتی را که از او نقل شده کم ارزش تر از یک فلس می‌دانند (ابن معین: ۱۳۹۹، ۴: ۴۸۶؛ عقیلی: ۱۴۰۴، ۱: ۲۹۰)، برخی دیگر روایات او را متروک دانسته و این شخص را متهم به وضع حدیث می‌دانند (ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۶، ۱: ۱۷۹)، همچنین او از کسانی است که گفته شده جایز نیست از وی روایت نقل شود (ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۴).

در طریق ابوهیره، شخصی به نام جعفر بن عبد الواحد هاشمی وجود دارد که گفته شده روایات او اصل و ریشه ندارد (ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۶، ۱: ۲۵۴؛ ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۴)، همچنین او را فردی متروک و جاعل حدیث (ابن حجر عسقلانی: ۱۴۱۲، ۶: ۱۰۲؛ زیلعی: ۱۴۱۴، ۲: ۲۳۱)، کذاب (ابن حجر: ۱۴۱۹، ۴: ۴۶۳؛ مبارکفوری: ۱۴۱۰، ۹: ۱۳۶)، غیر ثقه (سیوطی: بی تا، ۲: ۳۲۱) و سارق حدیث (ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۶، ۲: ۱۱۷) معرفی کرده‌اند.

در طریق عمر بن خطاب نیز عبدالرحیم (عبدالرحمن) بن زید عمی قرار دارد، که او و پدرش تضعیف شده‌اند (ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۴؛ حسنی الصنعانی: بی تا، ۱: ۶). علاوه بر این که این روایت به این طریق منقطع است؛ چرا که سعید بن مسیب چیزی از عمر نشنیده است (ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۶).

در طریق ابن عباس نیز جویبر قرار دارد که متروک دانسته شده (أصبیحی: ۱۴۱۳،

۲: ۴۳۰؛ سیوطی: بی تا، ۲۲: ۷۵؛ ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۴۸)، و ضحاک نیز علاوه بر این که ضعیف است، ابن عباس را ملاقات نکرده، لذا این روایت هم منقطع می‌باشد (لکنوی: بی تا، ۱: ۹۸؛ ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۴۸)، و در طریق دوم ابن عباس نیز حمزه بن ابی حمزه وجود دارد که قبلاً ضعف او بیان شد.

در طریق جابر نیز، جمیل بن یزید وجود دارد که شخصی ضعیف (مناوی: ۱۴۱۵، ۱: ۱۷۶) و ناشناخته (ابن ملقن: ۱۴۲۵، ۹: ۵۸۴؛ رازی: ۱۲۷۱، ۲: ۵۲۰؛ ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۶، ۲: ۵۶) می‌باشد.

در طریق انس نیز، یزید رقاشی وجود دارد که بسیاری وی را تضعیف کرده‌اند (ابن حبان: ۱۳۹۵، ۸: ۳۰۵؛ ابن حجر عسقلانی: ۱۴۰۴، ۲: ۶۶۸؛ ذهبی: ۱۳۸۲، ۱: ۲۸). از مجموع این اسناد برمی‌آید که صدور این روایت مورد اطمینان نیست. از این رو نمی‌توان بدان اعتماد نمود.

### بررسی دلالت حدیث

در برخی از منابع اهل سنت این حدیث در جهت اثبات صحت پیروی بی قید و شرط از صحابه (زمخشری: ۱۳۹۷، ۱۳: ۳۹۰)، مرجعیت و الگو بودن همه صحابه (ابن عساکر: ۱۴۰۰، ۱: ۴۲۰)، پاک انگاشتن همه صحابه (غزالی: بی تا، ۱: ۷۹)، ممدوح بودن همه صحابه (رفاعی: ۱۴۰۸، ۱: ۲۳)، برتری صحابه بر بقیه مردم (هیثمی: ۱۴۱۲، ۲: ۶۱۵)، و عدالت تمام صحابه (سفارینی: ۱۴۰۲، ۱: ۵۳) مورد استناد قرار گرفته است.

البته برخی گفته‌اند مقصود این روایت، صحت اقتدا به صحابه در نقل و پذیرش چیزی است که نقل می‌کنند، نه اقتدای در فتوا (عینی: بی تا، ۱۰: ۲۰۲؛ ابن عبد البر: ۱۴۲۱، ۴: ۷)، همچنین برخی دیگر گفته‌اند که مقصود حدیث این است که تفسیر ارائه شده از قرآن توسط صحابه به منزله حدیث مسند و مرفوع می‌باشد (حاکم نیشابوری: ۱۴۱۱، ۲: ۲۵۸؛ زرکشی: ۱۳۹۱، ۲: ۱۷۲)، و یا اینکه مقصود، پذیرش قول آنان درباره اسباب نزول آیات است (ذهبی: ۱۴۲۱، ۱: ۷۱).

با توجه به تعابیر مختلف در این حدیث، عبارت «فبأی قول أصحابی أخذتم اهتدیتم» تمسک به قول صحابی به هر میزان که باشد، را هدایت آفرین می‌داند؛ و تعبیر «فأیهم أخذتم بقوله» کفایت سخن هر یک از صحابه برای هدایت شدن، در حوزه عقاید، اخلاقیات، احکام فقهی و یا مباحث اجتماعی را می‌رساند؛ و تعبیر

«اقتدی بشیء منها» اقتدا به قول یا عمل برخی از صحابه را کافی می‌داند؛ و تعبیری مانند: «فبأیهم اقتدیتم اهتدیتم» و «من أخذ بنجم منها اهتدی» و «فأیها أخذتم به» و «فبأیها أخذ اهتدی» بیانگر آن است که تمسک به سخن یا عمل هر کدام از صحابه باعث هدایت است.

اما باید توجه داشت که این حدیث به لحاظ مدلول اشکالات فراوان دیگری دارد، از جمله:

۱. شکی نیست که تمسک به یک سخن یا یک عمل صحابی نمی‌تواند موجب هدایت گردد؛ زیرا مستلزم برتری صحابه بر خود پیامبر  $\text{ﷺ}$  می‌باشد، چون با تمسک به یک یا چند سخن و عمل پیامبر  $\text{ﷺ}$  هدایت حاصل نمی‌شود. انتخاب به نحو تخییری از میان صحابه نیز مستلزم ترجیح بلا مرجح است؛ چرا که متفاوت بودن مراتب فضل صحابه غیر قابل انکار است و همه آنها در یک مرتبه نبوده‌اند، بلکه برخی افضل، برخی فاضل و برخی دیگر مفضول بوده‌اند: «بعضها أضوأ من بعض» (متقی هندی: ۱۹۸۹، ۱: ۳۲۱). تمسک به تمامی گفتار و رفتار همه صحابه نیز به دلیل اختلافات فراوان در قول و عمل آنها ممکن نیست.

۲. مدلول این روایت با آیات فراوانی از قرآن کریم، که در مذمت و نکوهش عده ای از صحابه وارد شده مانند: سوره انفال (آیه ۱۵ و ۱۶) و سوره براءت (آیه ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۸، ۸۶، ۸۷، ۱۰۷) و سوره جمعه (آیه ۱۱) و ... تعارض دارد.

۳. همچنین این حدیث با روایات بسیاری از رسول خدا  $\text{ﷺ}$  که در منع از اقتدا به صحابه وجود دارد، تعارض دارد، احادیثی مانند: «تکون بین أصحابی فتنه یغفر الله لهم سابقتهم، ان اقتدی بهم قوم من بعدهم کبهم الله تعالی فی نار جهنم» (متقی هندی: ۱۹۸۹، ۱۱: ۲۹۴) و «یکون من أصحابی أحداث بعدی، یعنی الفتنه التي کانت بینهم، یغفرها الله لهم سابقتهم، إن اقتدی بهم قوم من بعدهم کبهم الله فی نار جهنم» (نقوی: ۱۴۰۵، ۳: ۱۸۳).

۴. این روایت با روایات دیگری که در آنها برخی از صحابه مورد نکوهش قرار گرفته‌اند نیز تعارض دارد، روایاتی مانند: روایت «ذات الشمال» که روایتی صحیح است (ترمذی: ۱۴۰۳، ۵: ۴؛ حاکم نیشابوری: ۱۴۱۱، ۳۴: ۸) و در آن پیامبر اکرم  $\text{ﷺ}$  از بازگشت و ارتداد برخی از صحابه پس از رحلت خود و قرار گرفتن آنان در زمره اصحاب شمال خبر می‌دهد (بخاری: ۱۹۷۸، ۱۲: ۱۶؛ ابن حنبل: ۱۴۲۰، ۵: ۲۴۴؛ حمیدی: ۱۴۲۳، ۳: ۱۴۵)، و «روایت ارتداد» که در آن خبر از بازگشت به قهقهری و

ارتداد برخی از صحابه داده شده است (موصلی: ۱۴۰۴، ۳: ۲۴۷؛ حمیدی: ۱۴۲۳، ۳: ۱۴۵)، و یا روایتی که پیامبر اکرم ﷺ در آن صحابه را از بازگشت به کفر نهی فرمودند (ابن حنبل: ۱۴۲۰، ۴: ۴۶۴؛ حمیدی: ۱۴۲۳، ۱: ۱۹۶؛ طبرانی: ۱۴۰۵، ۶: ۳۷)؛ و یا روایاتی که از بدعت گذاری برخی از صحابه پس از پیامبر اسلام ﷺ خبر می‌دهند (أصبیحی: ۱۴۱۳، ۲: ۴۶۱؛ ابن عبد البر: ۱۴۲۱، ۵: ۱۰۴)؛ و حدیث خبر دهنده از تبعیت صحابه از سنن یهود و نصارا (قشیری نیسابوری: بی تا، ۸: ۵۷؛ بخاری: ۱۴۰۷، ۶: ۲۶۶۹)؛ و روایات حاکی از رقابت و تنافس صحابه با یکدیگر (ابن تیمیه: ۱۳۶۹، ۱: ۲۹)؛ و یا روایاتی که خبر از وجود منافقین در میان صحابه می‌دهند (ابن حنبل: ۱۴۲۰، ۲۷: ۳۲۸؛ هیثمی: ۱۴۱۲، ۵: ۴۵۹).

۵. مدلول این روایت با اعتراف برخی از صحابه‌ی شاخص به جهل خود نسبت به احکام شرعی و نیازمندی‌شان به دیگر صحابه (ابن عبدالبر: ۱۴۱۲، ۱: ۳۳۹؛ تفتازانی: ۱۴۰۱، ۲: ۲۹۴؛ حنفی: ۱۴۱۸، ۱۴۹) همخوانی ندارد.

۶. در برخی از منابع از بی‌اعتنایی برخی از صحابه نسبت به احکام دین (دارمی: ۱۳۴۹، ۱: ۵۱؛ طبرانی: ۱۴۰۵، ۱۱: ۳۵۹؛ هیثمی: ۱۴۱۲، ۱: ۳۹۳) و عدم پایبندی برخی از آنان به کتاب خدا و سنت نبوی و بدعت گذاری‌شان در دین (سرخسی: بی تا، ۲۴: ۷؛ نقوی: ۱۴۰۵، ۳: ۲۴۴) خبر داده شده است، و با این وضع، پیروی و اقتدای به چنین افرادی چگونه موجب هدایت خواهد بود؟!

۷. بی شک یکی از مخاطبان این روایت، خود صحابه بوده‌اند، امر به اقتداء و اهدتاء صحابه به خودشان نیز معقول به نظر نمی‌رسد.

۸. صحت اقتدا و تمسک به اقوال یا رفتار صحابه‌ای که بعضی قاتل و بعضی مقتول، بعضی ظالم و بعضی مظلوم، بعضی لعن‌کننده و بعضی ملعون بوده‌اند، نامعقول می‌باشد. مثلاً با توجه به اختلاف میان امیرالمومنین علی ؑ و بعضی دیگر از صحابه و تقابل میان آنان در جنگ صفین و جنگ جمل، اگر به معاویه و عمرو عاص و یا به طلحه و زبیر که همه از صحابه پیامبر بوده‌اند اقتدا شود لازمه اش این خواهد بود که قرار گرفتن در هر کدام از این گروه‌ها تفاوتی ندارد، چرا که در هر حال به صحابه پیامبر اقتداء شده است!

با توجه به این امور، محال است که رسول خدا ﷺ به متابعت مطلق از همه صحابه سفارش کرده باشد و این کار را موجب هدایت اقتدا کنندگان دانسته باشند.

۹. در این روایت همه صحابه پیامبر ﷺ که بیش از صد هزار نفر بوده‌اند (سیوطی:

بی تا، ۲: ۲۲۰؛ ابن کثیر: ۱۴۱۸، ۸: ۳۶۰)، به ستارگان آسمان که مایه هدایت‌اند تشبیه شده‌اند در حالی که همه ستارگان دارای چنین خصوصیتی نیستند، و لذا قرآن گاهی کلمه «نجم» را به صورت مفرد می‌آورد (ر.ک: نحل: ۱۶)، و گاهی واژه «نجوم» را به کار می‌برد (ر.ک: انعام: ۹۷)، ولی مقصود از آنها ستارگان مخصوص و معهودی است که عرب‌ها با آنها راه را پیدا می‌کردند، بنابراین اگر مضمون حدیث صحیح باشد، باید گروه خاصی از صحابه مایه هدایت باشند، نه همه آنها، یعنی صحابه ای که بدعتگذاری نکرده و حافظ حدود و احکام الهی بوده‌اند (طوسی: ۱۴۱۴، ۵۲۲: مجلسی: ۱۴۰۴، ۷۴: ۴۰۷).

### حدیث در منابع شیعی

در برخی از منابع شیعی هم این روایت با هدف نقد سندی و دلالی آن نقل شده است (ر.ک: مفید: ۱: ۲۶ ابوالصلاح الحلبی: ۱۴۰۴، ۳۹۳؛ دیلمی: ۱۴۱۳، ۲: ۳؛ طبرسی: ۱۴۰۳، ۲: ۳۵۵؛ قاسم: ۱۹۷۷، ۱۲: ۸؛ عاملی نباطی: ۱۳۸۴، ۱: ۲۷۲؛ میلانی: بی تا، ۹: ۲). البته در برخی از منابع چنین روایتی با صبغه تناظری و همراه با توضیح و شرح آمده است. شیخ صدوق از حسین بن احمد [احمد بن حسین] بیهقی نقل می‌کند: محمد یحیی صولی، از محمد بن موسی بن نصر رازی، از پدرش نقل می‌کند که از امام رضا علیه السلام در باره حدیث «اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم» پرسیدم، آن حضرت فرمود: «هذا صحیح، یرید من لم یغیر بعده و لم یدل. قیل: و کیف یعلم أنهم قد غیروا أو بدلوا؟ قال: لما یروونه من أنه قال: لیذادن برجال من أصحابی یوم القیامه عن حوضی کما تذاذ غرائب الابل عن الماء، فأقول: یا رب أصحابی أصحابی! فیقال لی: إنک لا تدری ما أحدثوا بعدک، فیؤخذ بهم ذات الشمال، فأقول: بعداً لهم و سحراً لهم». امام علیه السلام فرمود: این درست است، (و در این احادیث) مراد کسانی هستند که پس از او تغییر حال پیدا نکردند و در دین تغییر و تبدیل ندادند، راوی گوید: به آن حضرت عرض کردند: از کجا دانسته شود که آنان تغییر یافتند و یا اینکه دین را تبدیل دادند؟ فرمود: به خاطر آنچه خود روایت کرده‌اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت مردانی از اصحاب من از حوض کوثر ممنوع می‌شوند، چنان که اشتران غریب را از آبشخور می‌رانند و مانع می‌شوند، و من می‌گویم: پروردگارا! اصحابم! اصحابم! به من پاسخ داده می‌شود که: تو نمی‌دانی پس از تو چه حوادثی ایجاد کردند. و ایشان را گرفته و رو به جانب چپ می‌برند (بسوی اصحاب الشمال)، و

من می‌گویم: دوری باد آنان را و نابودی باد ایشان را (صدوق: ۱۴۰۴، ۲: ۸۷).

در روایتی دیگر محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق) از حسن بن موسی خشاب، از غیاث بن کلوب، از اسحاق بن عمار، از امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر ص فرمود: «ما وجدتم فی کتاب الله فالعمل به لازم لا عذر لکم فی ترکه، و ما لم یکن فی کتاب الله و کانت فیہ سنۀ منی فلا عذر لکم فی ترک سنتی، و ما لم یکن فیہ سنۀ منی فما قال أصحابی فخذوه، فإنما مثل أصحابی فیکم کمثل النجوم، فبأیها أخذ اهتدی و بأی أقاویل أصحابی أخذتم اهتدیتهم، و اختلاف أصحابی لکم رحمۀ. قیل یا رسول الله: و من أصحابک؟ قال: أهل بیتی». یعنی آنچه را در قرآن یافتید، باید بدان عمل کنید و در ترک آن عذری از شما پذیرفته نیست. اگر حکمی در قرآن نبود، به آنچه در سنت من بجا مانده بود [عمل کنید] و اگر در سنت هم نبود، هر آن چه اصحابم می‌گویند، زیرا اینان همانند ستارگان در آسمان‌اند، به سخن هر کدام تمسک کنید، هدایت یافته‌اید؛ و اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است، سوال شد یا رسول الله اصحاب شما چه کسانی هستند؟ فرمود: اهل بیتم (صفار: ۱۴۰۴، ۱۱؛ صدوق: ۱۴۰۳: ۱۵۶). در این روایت به روشنی مصداق اصحابی که همانند ستارگان مایه هدایت هستند معرفی شده‌اند.

بنابراین مراد از اصحاب پیامبر ص در حدیث «أصحابی کالنجوم»، اهل بیت و عترت آن حضرت است که از ویژگی عصمت برخوردار بوده‌اند. احادیث ثقلین، سفینه، کساء و نظایر آنها مؤید این وجه است، چنان که در برخی از منابع اهل سنت روایتی دیگر نقل شده که به جای «أصحابی کالنجوم»، عبارت «أهل بیتی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتهم» آمده است (ذهبی: ۱۳۸۲، ۱: ۸۲؛ ابن حجر: ۱۴۰۶، ۱: ۱۳۶).

### جمع بندی و نتیجه گیری

حدیث اصحابی کالنجوم با همه طرق نقل آن به لحاظ سند، حدیثی مجعول و غیر معتبر می‌باشد. و به لحاظ دلالت نیز دارای این اشکال اساسی است که برخی از صحابه‌ی شاخص پیامبر ص با یکدیگر اختلافات اساسی و تقابل و تنازع داشته‌اند، و هدایت یافتن به خاطر اقتدا و تبعیت هر یک از آنان امر نامعقول و غیر صحیحی می‌باشد. علاوه اینکه این روایت با دیگر روایاتی که به صراحت نهی از اقتدا به همه صحابه کرده و یا روایات حاکی از انحراف برخی صحابه تعارض دارد. به نظر می‌رسد که در مقابل احادیثی که اهل بیت پیامبر ص را ستارگان هدایت معرفی می‌کند، چنین حدیثی جعل شده است.

## فهرست منابع

١. قرآن كريم
٢. الألباني، محمد ناصر الدين، ١٤١٢ق، *السلسلة الضعيفة*، رياض، مكتبة المعارف.
٣. ابن أبي العز الحنفي، صدر الدين علي بن علي بن محمد، ١٤١٨ق، *شرح الطحاوية في العقيدة السلفية*، تحقيق: أحمد محمد شاكر، اول، عربستان سعودى، وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد.
٤. ابن أثير، أبوالسعادات، ٤٢٠ق، *جامع الاصول من احاديث الرسول*، بيروت، دارالفكر.
٥. ابن بطّة عكبرى، عبيدالله بن محمد بن محمد بن حمدان، ١٤١٥ق، *الابانة الكبرى*، رياض، دار الراية،
٦. ابن تيمية الحراني، أحمد بن عبد الحلیم، ١٣٦٩ق، *اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة أصحاب الجحيم*، تحقيق: محمد حامد الفقى، دوم، قاهره، مطبعة السنة المحمدية.
٧. ———— ، أحمد بن عبد الحلیم، ١٤٠٦ق، *منهاج السنة النبوية*، تحقيق: محمد رشاد سالم، اول، بی جا، مؤسسة قرطبة.
٨. ابن حبان، محمد بن احمد، ١٣٩٥ق، *كتاب الثقات*، تحقيق: شرف الدين احمد، بيروت، دارالفكر.
٩. ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي، ١٤٠٦ق، *تقريب التهذيب*، تحقيق: محمد عوامة، اول، سوريه، دار الرشيد.
١٠. ———— ، ١٤٠٦ق، *لسان الميزان*، تحقيق: دائرة المعارف النظامية — الهند، دوم، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
١١. ———— ، ١٤١٢ق، *الإصابة في تمييز الصحابة*، تحقيق: علي محمد الجاوى، اول، بيروت، دار الجيل.
١٢. ———— ، ١٤١٩ق، *التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير*، اول، بی جا، دارالكتب العلمية.
١٣. ———— ، ١٤٠٤ق، *النكت على كتاب ابن الصلاح*، تحقيق: ربيع بن هادى عميرمدخلى، اول، مدينة منورة، عمادة البحث العلمى بالجامعة الاسلامیة.
١٤. ابن حزم اندلسى، علي بن احمد، ١٤٠٤ق، *الاحكام فى اصول الاحكام*، اول، قاهره، دارالحديث.
١٥. ابن حميد، ابومحمد عبد، ١٤٠٨ق، *المنتخب من مسند عبد بن حميد*، تحقيق: صبحى بدرى سامرايى و محمود محمد خليل صعيدى، اول، بی جا، مكتبة النهضة العربية.

۱۶. ابن حنبل، أحمد، ۴۲۰ق، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، المحقق: شعيب الأرنؤوط، دوم، بی جا، مؤسسة الرسالة.
۱۷. ابن عبد البر النمري القرطبي، يوسف، ۳۹۸ق، **جامع بيان العلم وفضله**، بيروت، دار الكتب العلمية.
۱۸. —————، ۱۴۲۱ق، **الاستذکار**، تحقیق: سالم محمد عطا، محمد علی معوض، اول، بیروت، دار الكتب العلمية.
۱۹. ابن عساکر الدمشقی، علی بن حسن، ۴۰۰ق، **تبیین کذب المفتري فيما نسب إلى الإمام أبي الحسن الأشعري**، سوم، بیروت، دار الكتاب العربي.
۲۰. ابن قدامة المقدسی، موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد، بی تا، **المنتخب من علل الخلال لعلل للخلال**، بی جا، بی تا، (موجود در نرم افزار شامله).
۲۱. ابن قدامة، عبد الرحمن، ۴۱۸ق، **الشرح الكبير**، اول، بیروت، دار الكتاب العربي للنشر والتوزيع.
۲۲. ابن قیم الجوزیه، محمد بن أبی بکر، بی تا، **إعلام الموقعین عن رب العالمین**، بی جا، بی تا، (موجود در نرم افزار شامله).
۲۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۴۱۸ق، **البدایة و النهایة**، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، اول، بی جا، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.
۲۴. ابن معین، یحیی بن معین أبو زکریا، ۳۹۹ق، **روایة الدورى** (تاریخ ابن معین)، تحقیق: أحمد محمد نور سیف، اول، مکه المكرمة، مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الإسلامی.
۲۵. ابن ملقن، سراج الدین عمر بن علی بن احمد انصاری، ۴۲۵ق، **البدر المنیر فی تخریج الاحادیث و الآثار الواقعة فی الشرح الكبير**، تحقیق مصطفی ابوالغیط و دیگران، ریاض، دار الهجرة للنشر و التوزيع.
۲۶. ابو الصلاح الحلبي، تقی بن نجم، ۴۰۴ق، **تقریب المعارف**، مصحح: فارس الحسون، قم، الهادی.
۲۷. أبو حیان، محمد بن یوسف، بی تا، **تفسیر البحر المحیط**، بی تا، بی جا، (موجود در نرم افزار شامله).
۲۸. الأزهر، بی تا، فتاوی الأزهر، مصر، **وزارة الأوقاف المصریة**، (موجود در نرم افزار شامله).
۲۹. الأصحی، مالک بن انس أبو عبدالله، ۴۱۳ق، **موطأ الإمام مالک**، تحقیق: تقی الدین الندوی، استاذ الحدیث الشریف بجامعة الإمارات العربیة المتحدة، اول، دمشق، دار القلم.
۳۰. الألبانی، محمد ناصر الدین، بی تا، **صفة صلاة**، ۶، ریاض، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع.
۳۱. الألوسی، شهاب الدین سید محمود، **تفسیر الألوسی** (روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی)، نرم افزار اهل البيت.

۳۲. بخاری، محمد بن إسماعیل، ۱۳۹۶ق، *الضعفاء الصغیر*، تحقیق: محمود إبراهيم زاید، اول، حلب، دار الوعی.
۳۳. بخاری، محمد بن إسماعیل، ۱۴۰۷ق، *الجامع الصحیح المختصر* (صحیح البخاری)، تحقیق: مصطفی دیب البغا، سوم، بیروت، دار ابن کثیر.
۳۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۹۷۸م، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالعلم.
۳۵. البهوتی، منصور بن یونس، ۱۴۱۸ق، *کشاف القناع عن متن الإقناع*، تحقیق: کمال عبد العظیم العنای، بیروت، منشورات محمد علی بیضون - دار الکتب العلمیة.
۳۶. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی بن موسی، بی تا، *المدخل إلى السنن الكبرى*، بی تا، بی جا، (موجود در نرم افزار الشامله).
۳۷. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۳ق، *سنن الترمذی* (الجامع الصحیح)، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر.
۳۸. التفتازانی، سعد الدین، ۱۴۰۱ق، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، اول، پاکستان، دار المعارف النعمانیة.
۳۹. الجرجانی، عبد الله بن عدی، ۱۴۰۹ق، *الکامل*، تحقیق: قراءة وتدقیق: یحیی مختار غزوی، سوم، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۴۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۴۱. الحسنی الصنعانی، محمد بن إسماعیل الأمير، بی تا، *توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار*، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، مدینه منوره، المكتبة السلفية.
۴۲. الحمیدی، محمد بن فتوح، ۱۴۲۳ق، *الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم*، تحقیق: علی حسین البواب، دوم، بیروت، دار النشر و دار ابن حزم.
۴۳. الحنفی، علی محمد فتح الدین، ۱۴۱۸ق، *فلک النجاة فی الإمامة والصلاة*، تحقیق و تقدیم: الشیخ ملا أصغر علی محمد جعفر، دوم، بی جا، مؤسسه دار الاسلام.
۴۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، بی تا، *الکفایة فی علم الروایة*، تحقیق ابو عبدالله سورقی، مدینه، المكتبة العلمیة.
۴۵. الدارمی، عبد الله بن الرحمن، ۱۳۴۹ق، *سنن الدارمی*، دمشق، مطبعة الاعتدال.
۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۳ق، *ارشاد القلوب*، بی جا، دار الشریف الرضی للنشر.
۴۷. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، ۱۳۸۲ق، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفة.
۴۸. ذهبی، محمد حسین، ۱۴۲۱ق، *التفسیر والمفسرون*، هفتم، قاهره، مكتبة الوهبة.

٤٩. الرازی، عبد الرحمن بن أبی حاتم محمد بن إدريس، ١٢٧١ق، الجرح والتعديل، اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٥٠. رفاعی حسینی، احمد بن علی، ١٤٠٨ق، **البرهان المؤید لصاحب موالید**، تحقیق عبدالغنی نکه می، اول، بیروت، دار الكتاب النفیس.
٥١. زرکشی، محمد بن بهادر، ٣٩١ق، **البرهان فی علوم القرآن**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالمعرفه.
٥٢. زمخشری خوارزمی، ابوالقاسم محمود بن عمر، ٣٩٧ق، **الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل**، لبنان، دارالفکر.
٥٣. زیلعی، جمال الدین عبدالله بن یوسف، ٤١٤ق، **تخریج الاحادیث والآثار الواقعه فی تفسیر الکشاف للزمخشری**، تحقیق عبدالله بن عبد الرحمن سعد، اول، ریاض، دار ابن خزیمه.
٥٤. سخاوی، بی تا، **المقاصد الحسنه**، بی جا، بی نا، (موجود در نرم افزار الشامله).
٥٥. السرخسی، بی تا، **المبسوط**، بیروت، دار المعرفه للطباعه والنشر والتوزیع.
٥٦. سفارینی، شمس الدین محمد بن احمد بن سالم، ١٤٠٢ق، **لوامع الانوار البهیة و سواطع الاسرار الاثریة لشرح الدرّة المضية فی عقد الفرقة المرضیه**، دوم، دمشق، مؤسسۀ الخافقین و مکتبتهها.
٥٧. السیوطی، جلال الدین، ١٣٢٠ق، **کفایة الطالب اللیب فی خصائص الحیب** (الخصائص الکبری)، حیدرآباد الدکن، دار الكتاب العربی.
٥٨. ———، بی تا، **تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی**، تحقیق: عبد الوهاب عبد اللطیف، ریاض، مکتبه الرياض الحدیثه.
٥٩. ———، بی تا، **جامع الأحادیث**، بی نا، بی جا، (موجود در نرم افزار الشامله).
٦٠. صدوق، محمد بن علی، ١٣٩٥ق، **کمال الدین و تمام النعمه**، مصحح: علی اکبر غفاری، دوم، تهران، اسلامیه.
٦١. ———، ١٤٠٣ق، **معانی الاخبار**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی.
٦٢. ———، ١٤٠٤ق، **عیون اخبار الرضا**، اول، بیروت، مؤسسۀ العالمی للمطبوعات.
٦٣. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، ١٤٠٤ق، **بصائر الدرجات**، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
٦٤. الطبرانی، ١٤٠٥ق، **المعجم الکبیر**، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، دوم، بی جا، دار إحياء التراث العربی.

- ٦٥ طبرسی، احمد بن علی، ١٤٠٣ ق، **الاحتجاج علی أهل اللجاج**، مصحح: محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- ٦٦ طوسی، محمد بن حسن، ١٤١٤ ق، **الامالی**، قم، دارالثقافه.
- ٦٧ عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس، ١٣٨٤ ق، **الصرط المستقیم إلى مستحقى التقديم**، مصحح: رمضان میخائیل، نجف، المكتبة الحیدریة.
- ٦٨ العجلونی، اسماعیل بن محمد، ١٤٠٨ ق، **كشف الخفاء و مزیل الألباس**، سوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ٦٩ العقیلی، أبو جعفر محمد بن عمر بن موسی، ١٤٠٤ ق، **ضعفاء العقیلى**، تحقیق: عبد المعطی أمین قلجی، اول، بیروت، دار المكتبة العلمیة.
- ٧٠ العینی، بدرالدین، بی تا، **عمدة القاری شرح صحیح البخاری**، دار إحياء التراث العرب، بیروت.
- ٧١ غزالی، ابوحامد محمد بن محمد بن محمد، بی تا، **الاقتصاد فی الاعتقاد**، بی جا، بی تا.
- ٧٢ قاسم، اسعد، ١٩٧٧ م، **أزمه الخلافة و الإمامه و آثارها المعاصرة**، سلسله الرحلة إلى الثقلین، بیروت، الغدیر.
- ٧٣ القشیری النیسابوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم، بی تا، **صحیح مسلم**، بیروت، دار الجیل و دار الأفاق الجدیة.
- ٧٤ القضاعی، محمد بن سلامه، ١٤٠٥ ق، **مسند الشهاب**، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، اول، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ٧٥ اللکنوی، عبد الحی، بی تا، **الآثار المرفوعة فی الأخبار الموضوعه**، بی جا، دار الکتب العلمیة.
- ٧٦ المبارکفوری، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم، ١٤١٠ ق، **تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی**، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ٧٧ المتقی الہندی، علی بن حسام الدین، ١٩٨٩ م، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ٧٨ مجلسی، محمدباقر، ١٤٠٤ ق، **بحار الانوار**، چهارم، بیروت، مؤسسه الوفا.
- ٧٩ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، **الافصاح فی امامه امیر المؤمنین علیہ السلام**، قم، مؤسسه بعثت.
- ٨٠ المناوی، عبد الرؤوف، ١٤١٥ ق، فیض القدیر **شرح الجامع الصغیر**، تصحیح أحمد عبد السلام، اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ٨١ الموصلی التمیمی، أبو یعلی أحمد بن علی بن المثنی، ١٤٠٤ ق، **مسند أبی یعلی**، تحقیق: حسین سلیم أسد، اول، دمشق، دار المأمون للتراث.

- ٨٢ ميلانى، سيد على، بى تا، *محاضرات فى الاعتقادات* (القسم الثانى)، بى جا، مركز الأبحاث العقائديه.
- ٨٣ النقوى، السيد حامد، ١٤٠٥ق، *خلاصه عبقات الأنوار*، طهران، مؤسسه البعثة.
- ٨٤ نمرى، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، ١٤١٢ق، *الاستيعاب فى معرفه الاصحاب*، تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت، دار الجيل.
- ٨٥ نورى، ابوالمعاطى، بى تا، *المسند الجامع المعلن*، بى جا، بى نا.
- ٨٦ هيشمى، على بن ابى بكر، ١٤١٢ق، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بيروت، دارالفكر.

## روش شناسی کلامی علامه حلی<sup>رحمۃ اللہ علیہ</sup>

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی<sup>۱</sup>

هادی زارعی<sup>۲</sup>، حیدر سبزی<sup>۳</sup>

### چکیده

علامه حلی از متکلمان شیعی است که روشی عقلی داشته و با تأکید بر حجیت عقل دلالت آن را از دلالت سایر منابع قوی تر می‌داند. از این رو هنگام ناسازگاری عقل و نقل در صورت تأویل پذیری، آن را تأویل برده، و در غیر این صورت، نقل را مردود می‌شمارد. با این وجود ایشان از نقل نیز غافل نبوده و با اذعان به عدم کارایی عقل در برخی حوزه ها، معرفت نقلی را نیز لازم شمرده و در آثار کلامی خود از آنها استفاده می‌نماید؛ البته با این تفاوت که حجیت قرآن را پذیرفته ولی حجیت اخبار و اجماع را به صورت مطلق نمی‌پذیرد، بلکه برای پذیرش آنها شرایطی را مطرح می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** علامه حلی، روش شناسی، عقل گرایی، روش کلامی.

---

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۳. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

## ۱. زندگی‌نامه و شخصیت علمی

جمال‌الدین ابو منصور، حسن بن یوسف بن علی بن محمد ابن مطهر، معروف به علامه حلی در سحرگاه جمعه بیست و هفتم رمضان سال ۶۴۸ قمری در شهر حله به دنیا آمد و در سال ۷۲۶ در همین شهر وفات نمود و در جوار مضع شریف حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

علامه حلی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام (موسوی خوانساری: ۱۳۹۰، ۲: ۲۷۰-۲۷۱؛ حر عاملی: ۱۳۶۲، ۲: ۸۱) است که از سوی علمای شیعه و سنی مورد تمجید و تقدیر فراوان قرار گرفته، و تنها کسی است که در بین علمای امامیه ملقب به لقب علامه علی الاطلاق گردیده است (امین: ۱۴۰۳، ۵: ۳۹۶؛ صفدی: ۱۳۸۱، ۱۳: ۸۵). از ایشان کرامات زیادی نقل شده است که از جمله آن می‌توان به تشرفات مکرر ایشان به محضر امام زمان علیه السلام اشاره کرد (نهادندی: ۱۳۸۶، ۲: ۶۱، ۹۸؛ طبرسی نوری: ۱۳۸۳، ۴۵۲؛ قمی: ۱۳۸۵، ۲۲۵). علامه از جمله عالمانی است که دارای تالیفات زیادی در علوم و فنون مختلف بوده به طوری که تا پانصد کتاب به خط خود علامه غیر از کتاب‌هایی از ایشان که به خط دیگران می‌باشد نقل شده است (طریحی: ۱۴۱۶، ۶: ۱۲۳). در مباحث کلامی نیز آثار متعددی به رشته‌ی تالیف در آورده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان کتاب «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»، «انوار الملکوت فی شرح الیاقوت»، «کشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد»، «منهاج الکرامه فی معرفه الامامه»، «نهج الحق و کشف الصدق»، «کتاب الالفین الفارق بین الصدق و المین»، «نهایه المرام فی علم الکلام»، «الباب الحادی عشر»، «نهج المسترشدین فی اصول الدین»، «تسلیک النفس الی حظیره القدس»، «معارج الفهم فی شرح النظم» و... نام برد.

## ۲. روش تالیفی و تدوینی علامه حلی

تالیفات کلامی ایشان به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف. آثاری که شرح کتب متکلمین قبل می‌باشد. مثل کتاب «کشف المراد» و «کشف الفوائد» که به ترتیب شرح کتاب تجرید الاعتقاد و قواعد العقائد خواجه نصیر طوسی بوده، و «انوار الملکوت» که شرح «الیاقوت فی علم الکلام» ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت می‌باشد.